

شهید عباسی
از تیراندازهای
ماهر ارتش بود.
او در مسابقات
تیراندازی جهان
شرکت کرده بود
و توانسته بود
برگزیده شود و با
افتخار به کشور
برگردد.

او یک فرمانده جنگی بود و بیشتر در میدان حضور
داشت تا خانه و هر وقت هم که برای دفاع از وطن به
جبهه می رفت، خانواده اش خیلی دلشان تنگ می شد
و می خواستند که زودتر برگردد. اما او همیشه می گفت
که بچه های دیگر هم مثل بچه های او هستند و
باید بروند که دشمن نتواند به آن ها آسیب بزند.
دفاع از کشور از همه چیز برایش مهم تر بود.

روزی آقای فرامرز عباسی تازه برای مرخصی
پیش خانواده اش آمده بود که خبر دادند باید
به منطقه جنگی برود. به خانواده اش گفت که
دوباره باید به آبادان بروند چون دشمن به آنجا
حمله کرده و شهر در خطر است. بچه ها با بابای
شجاعشان خدا حافظی کردند.

شهید عباسی که از طراحان عملیات شکست
حصار آبادان بود، در روز ۲۱ اردیبهشت سال
۱۳۶۰ به شهادت رسید. مزار این فرمانده شجاع
در حرم امام رضا (ع) است.

ما در محله فرامرز عباسی زندگی می کنیم.
این محله برای زنده نگه داشتن یاد
این شهید نام گذاری شده است تا مردم
هیچ وقت قهرمان هایی را که برای امنیت
آن ها جنگیده اند فراموش نکنند. من
خوش حالم که با این انشا توانستم با
قهرمان محله مان بیشتر آشنا شوم.

خیلی خوب نوشتی آرمان جان! ما هم خیلی
چیزها از انشای تو یاد گرفتیم. بله درست است
ما نباید هیچ وقت کسانی را که به خاطر کشور و
مردم جنگیدند فراموش کنیم.